

۸ مارس سنگر رهایی زن رهايي زن: مرگ جمهوری اسلامی



azam_kamguian@yahoo.com

پست و فرودست کرده و جمهوری اسلامی را باید مردسالاری توحش باری را بر انداخت. این حکم جنبش زنان زنان تحمیل کرده اند. فرودستی زن و مردسالاری ارکان اصلی حیات این نظام هستند.

هیچ زمانی مانند دوره معاصر و امروز، جامعه ایران تشنه رهایی زنان نبوده است. جنبش رهایی بدون جداسازی جنسی و بدون قوانین ذلت بار اسلامی دیگر جمهوری اسلامی نیست. این وضعیت را باید درهم ریخت. محافظه کار، راست و

صفحه ۲



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: اعظم کم گویان ۱۴ بهمن ۱۳۸۴ ۳ فوریه ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

اعظم کم گویان

فرودستی زن در ایران بیش از هر چیز دیگری ناشی از حاکمیت جمهوری اسلامی است. خدا و قرآن و محمد و قوانین اسلامی و ولی فقیه و آخوند و عمامه موقعیت زن را

باید در مقابل تعرض جنبش اسلامی به دستاوردهای بشریت ایستاد



mkazvini@hotmail.com

محمود قزوینی

از روز ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۴ که روزنامه یولند پستن دست به درج ۱۲ کاریکاتور از محمد پیامبر زده است، تاکنون جریانات کثیف اسلامی آرام و قرار ندارند. جنبش اسلامی به بهانه کشیدن چند عکس کاریکاتور از محمد، تمام ظرفیت اسلامی و فاشیستی خود را بیرون ریخته است. چند سالی است که هر نویسنده و هنرمند و منتقد مذهب اسلام که لب به انتقاد به مذهب اسلام و رهبران مذهبی در هر نقطه جهان می‌گشاید، باید در فکر تعرض جریانات اسلامی به خود هم باشد. الهام فروتن دختر نوزده ساله هرمزگانی و سلمان رشدی و وان گوگ و تسلیمه نسرین و... فقط نمونه هایی از آن هستند.

در این حرف سردبیر روزنامه دانمارکی یولند پستن حقیقتی نهفته است که در مصاحبه اخیر خود اعلام نمود که جریانات اسلامی برنده شده اند و دیگر کسی در غرب به راحتی جرات نمیکند به اسلام انتقاد کند و کاریکاتور محمد و دیگر مقدسات اسلامی را منتشر کند. و سردبیر روزنامه فرانسوی فرانسوا یکروز بعد از چاپ کاریکاتورها برکنار شده است. جنبش اسلامی عربده کشان و با تکان دادن شمشیر در خیابانهای خاورمیانه و غرب بر علیه آزادی

صفحه ۲

عروج حماس: فاشیسم در مقابل فاشیسم



fateh_sh@yahoo.com

فاتح شیخ

برد انتخاباتی حماس در ۲۵ ژانویه، حتی برای خود این جریان هم خارج از انتظار و بالاتر از رویا بود. طوریکه

رهبری آن مانده است چطور محصول سیاسی این برد را جمع کند! اولین بار است که حماس در انتخابات پارلمانی شرکت میکند؛ سابقا با توجیه به رسمیت نشناختن ترتیبات سیاسی حاصل از معاهده اسلو، پارلمان فلسطین را بایکوت میکرد. معاهده اسلو همانطور که برای معماران فلسطینی آن - فتح و سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) به رهبری عرفات و بعدا محمود عباس - اعتبار سیاسی کسب کرد، برای جریانی "میلیتانت" حماس انزوا برآورد. برعکس هم، شکست معاهده اسلو و سیاستهای فاشیستی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین، زمینه ساز عروج فاشیسم اسلامی حماس شد. بن بست و بحران سیاست راست افراطی در اسرائیل، صفحه ۳

قدرت کارگری، هراس جمهوری اسلامی

در نیمه راه مصاف بزرگ کارگران شرکت واحد



hoseinzadeh_r@yahoo.com

رحمان حسین زاده

مجبور نمیدید مثل این دفعه ابعاد وسیعی از مانور و فریب و دستگیری و زندان را در مقابل با دهها و صدها مورد

مقابله وسیع سرکوبگران جمهوری اسلامی با اعتصاب اعلام شده شنبه ۸ بهمن کارگران شرکت واحد در وهله اول نشانه قدرت و توان جمهوری اسلامی علیه کارگران نیست، بلکه ترس و هراس و دستپاچی جمهوری اسلامی و مقامات ریز و درشت آن راز به میدان آمدن حرکت گسترده یکی از رشته های کلیدی مراکز کارگری ایران را منعکس میکند. باید پرسید رژیم ضدکارگری که در سالهای گذشته و در شرایطی که توان سرکوبگری بیشتری داشت، و بارها اعتراضات کارگری و مردمی را سرکوب کرد، چرا خود را

نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست برگزار شد

صفحه ۴

گزارشی از کنفرانس اول تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در اوج خود است. به کارکنان صلیب سرخ دانمارک و دیگر کشورهای اسلامی حمله میکنند و مراکز صلیب سرخ دانمارک و چند کشور اروپایی دیگر را مسلحانه محاصره کرده اند. تحرک و تعرض جنبش اسلامی بر سر چاپ عکس محمد، تحرک و تعرض جنبش اسلامی بر علیه آزادی بیان و همه دستاوردهای بشریت امروز که در کشورهای غربی وجود دارد است. با قلندری و با تهدید به ترور طلب میکنند که نه تنها روزنامه یولند پستن از مسلمانان معذرت خواهی کند، بلکه دولت دانمارک هم دخالت کند و از مسلمانان معذرت خواهی نماید و حتی کاریکاتوریستها و روزنامه نگاران را مجازات کند. از دولت دانمارک میخواهند همان کاری را کند که دولتها و جریانهای اسلامی هر روز با شهروندان خود میکنند.

میگیرند و یا قوانین جدیدی برای محدودیت نقد مذهب وضع میکنند. اینکه جنبش اسلامی توانسته است چاپ یک عکس در یک روزنامه را به یک مسئله و بحران جهانی تبدیل کند، دیگر فقط مسئله به ماهیت و حتی قدرت جنبش اسلامی بر نمیگردد. بلکه به وضعیت جهان امروز و ارتجاع سیاسی و اجتماعی بر میگردد که دولتهای غربی هر روز در خود کشورهای غربی و در سطح جهان تولید و بازتولید میکنند. سالهاست دولتها و مراکز تحقیقاتی در غرب بحث میکنند که در این مسئله توافق دارند که برای اسلام در روبنای سیاسی جامعه در غرب جایی باز کنند. در چشم دولتها و الیت فکری جامعه غربی مردم مهاجر خاورمیانه مسلمان تلقی میشوند و امامان و مفتی ها و مراکز اسلامی به عنوان نمایندگان این مردم مورد مراجعه دولتها و مسئولین است. مهاجرین مسلمان تلقی میشوند، از جامعه ایزوله میشوند، به زیر دست و پای امامان و گروههای اسلامی رانده میشوند، از دستاوردهای پیشروی جامعه محروم میشوند. در گتوهایی که در آن حکومت اسلامی حکم میراند محبوس میشوند. کودکان در مدارس اسلامی و در محیط اسلامی ترور و انفجارات هر روز در عراق و دیگر کشورها که دهها و صدها کودک و مردم عادی را به کام مرگ میکشد، چهره ناشناخته ای ندارد. این جنبش سربریدن انسان در انظار عموم و در مقابل دوربین های تلویزیون ها برای مردم دنیا شناخته شده است. اما این اولین بار است که این جنبش دارد یک حکم خود را علنا تحمیل میکند. چپ و راست در غرب در مقابل جنبش قتل سلمان رشدی ایستادند، اما امروز نقد به مذهب اسلام و مذهب، مدافعی در غرب ندارد. خودشان دارند قوانین قدیمی محدود کننده در نقد مذهب را به کار

دروغین سوار بر ثنوری نسبتیت فرهنگی، خواهان میدان دادن بیشتر به جریانات اسلامی است. تظاهراتی ضد راسیستی بدون حضور امام و یا یک شخصیت و نیروی اسلامی برگزار نمیشود. در همین مسئله چاپ کاریکاتور محمد در روزنامه یولند پستن، فقط اسلامیون نبودند که شروع به عریبه کشی کردند. نویسندگان محترم دانمارکی کمپینی بر علیه این اقدام به راه انداختند. احزاب به اصطلاح چپ عموما به صف محکوم کنندگان این اقدام در کنار جامعه مسلمانان دانمارک و عربستان سعودی و کویت و ایران قرار گرفته اند و همگی یکصدا به دولت دانمارک فشار میاورند که چرا با سفرای ۱۲ کشور اسلامی ملاقات نکرده است و بر علیه بی احترامی به مذاهب اطلاعیه داده اند.



یکی از کاریکاتورهای محمد درج شده در روزنامه یولند پستن

در حالی که احزاب راست افراطی به تحریکات ناسیونالیستی و مذهبی روی آورده اند، احزاب به اصطلاح چپ و نویسندگان خواهان عدم تعرض به احساسات مردم مسلمانان شده اند و سریع طرح ساختن یک مسجد بزرگ در وسط شهر کپنهاک را به عنوان هدیه به مسلمانان به میان کشیده اند. در حالی که عربستان و کویت و عمان و .. کالاهای دانمارکی را تحریم میکنند تا

برای مردم خاورمیانه که اعدامهای چند دقیقه ای و دسته جمعی و ترور و آدمکشی و سنگسار و قصاص و ... را تجربه کرده اند، این اعمال جریانات اسلامی عادی است و برای مقابله با آن نیروی عظیمی هم در جامعه نهفته است. در سطح جهانی هم دیگر این نیرو با جنایت ۱۱ سپتامبر و بسان و ترور و انفجارات هر روز در عراق و دیگر کشورها که دهها و صدها کودک و مردم عادی را به کام مرگ میکشد، چهره ناشناخته ای ندارد. این جنبش سربریدن انسان در انظار عموم و در مقابل دوربین های تلویزیون ها برای مردم دنیا شناخته شده است. اما این اولین بار است که این جنبش دارد یک حکم خود را علنا تحمیل میکند. چپ و راست در غرب در مقابل جنبش قتل سلمان رشدی ایستادند، اما امروز نقد به مذهب اسلام و مذهب، مدافعی در غرب ندارد. خودشان دارند قوانین قدیمی محدود کننده در نقد مذهب را به کار

آزادی بیان در غرب محدود شود، نویسندگان طرفدار نسبتیت فرهنگی دانمارک، با محکوم کردن این آزادی بیان، خواهان دخالت سریع دولت برای حل این مشکل ملی دانمارک شده اند و سمینارهایی تحت عنوان "ستم دیدگان آزادی بیان" برگزار میکنند.

بشریت آزادیخواه باید در مقابل این تعرض جریانات اسلامی به حقوق و دستاوردهای بشریت امروز بایستد. باید تعرض سیاسی و فکری وسیعی را به اسلام و جریانات اسلامی دامن زد. باید از آزادی بیان و همه دستاوردهای بشریت امروز در مقابل یورش جریانات اسلامی دفاع نمود. باید در مقابل هر گونه سازش با اسلامیون ایستاد. همانطوری که سردبیر روزنامه یولند پستن دانمارک گفته است، جریانات اسلامی تا همینجا هم به پیروزی بزرگی دست یافته اند. دیگر کمتر روزنامه ای جرات میکند تا کاریکاتور محمد و دیگر رهبران مذهب اسلام را بکشد و یا از اسلام انتقاد کند. جریانات اسلامی تا همینجا توانسته اند یکنوع خفقان سیاسی در سطح جهان برقرار کنند. این خفقان به یمن دولتهای غربی که حاضرند آزادی بیان و دستاوردهای بشریت امروز را در مقابل سود یک روز یک شرکت قربانی کنند و با کمک جریان راسیستی نسبتیت فرهنگی در غرب که بخش وسیعی از الیت فکری و سیاسی را با خود دارد، ممکن شده است.

نقد به مذهب و مذهب اسلام در غرب مدافع رسمی ندارد. چپ و راست متعارف در غرب مخالف این نقد و این آزادی هستند. آزادیها و دستاوردهای بشریت در غرب برای بورژوازی ارتجاعی غرب ارزشی ندارد. جریانات راست و چپ بورژوازی غرب هر کدام به شیوه ای چوب حراج به این دستاوردها زده اند، فقط جریان سکولاریستی سوسیالیستی میتواند در مقابل تعرض اسلام و ارتجاع جهانی به حقوق و دستاوردهای بشریت امروز بایستد.

گمونیست را تکثیر و پخش کنید!

معاشرت آزادانه زن و مرد و رهایی زنان از قوانین اسلامی را نزدیک کنیم. باید جمهوری اسلامی را ساقط کنیم.

زنده باد هشت مارس
زنده باد آزادی و برابری

است. زنان و مردان حق طلب و آزادیخواه باید در تدارک هرچه وسیعتر و باشکوه تر این روز جهانی و تحکیم این سنگر پایدار مبارزه برای آزادی و برابری باشند. بکوشیم وسیعترین توده های زنان و دختران معترض به فرودستی و بی حقوقی زن در ایران را در ۸ مارس به میدان مبارزه علیه جمهوری اسلامی فراخوانیم و متحد و متشکل کنیم. باید روز رهایی زنان از حجاب تحمیلی و دستیابی به

کردن جمهوری اسلامی تبدیل می شود. سیلاب انرژی انقلابی این جنبش می تواند نه فقط جمهوری اسلامی را در خود غرق کند بلکه با سرنگونی جمهوری اسلامی، نوید بخش پاکسازی نکبت اسلام سیاسی از خاورمیانه باشد.

هشت مارس سنگری علیه توحش سرمایه داری و مردسالاری و اسلام سیاسی است. ۸ مارس سنگری برای تحقق رهایی زن و رهایی جامعه

روی پاهای خود بایستد، جهانی و انسانی فکر و عمل کند لغو حجاب و آپارتاید جنسی، جدایی دین از دولت و آموزش پرورش، و پایان دادن به کلیه قوانین و رسوم زن ستیز، و اعلام برابری کامل زن و مرد را در صدر مطالباتش قرارداد دهد.

با بسیج و متحد کردن میلیونها زن آسیرو محروم خواهان آزادی، جنبش آزادیخواهانه زنان به یکی از ارکان اصلی در هم شکستن اسلام سیاسی و ساقط

۸ مارس سنگر رهایی زن قوم پرست بر آن مسلط شوند یا آن را از نفس و رمق بیندازند. این جنبش برای پیروزی به رهبرانی مسلط که جهانی می اندیشند، انسانی برای حقوق زنان مبارزه می کنند و به کم رضایت نمی دهند، نیازمند است. این جنبش باید زیر پلاتفورم و پرچم چپ جامعه و حکمتیست ها متحد و متشکل شود. جنبش رهایی زنان باید محکم و روشن

نه قومی نه اسلامی زنده باد هویت انسانی

قدرت کارگری

اسلامی بتواند به آسانی به مقابله آن بر خیزد. اعتصاب یک بخش وسیع کارگری با کمیته قابل توجه و با فعل و انفعال روزانه در هم تنیده با حیات اجتماعی تهران ۱۲ میلیونی حساسیت جمهوری اسلامی و کابوس و ترس مقامات آن را موجب شده است. سران جمهوری اسلامی را به یاد نقش کارگران نفت در شکستن کمر رژیم شاه انداخته است. حساسیت جمهوری اسلامی و کل مانور و توطئه ها و وعده وعید و گسیل نیروی نظامی و انتظامی و تلاش وسیع برای مهار این حرکات کارگری از همین جا ناشی می شود. به روشنی باید متوجه بود تظاهرات کنونی جمهوری اسلامی نه از سر قدرت بر عکس از سر ترس و نگرانی آن است. کارگر شرکت واحد و مبارزانش میروند به الهام بخش مبارزات دیگر بخشهای کارگری و اعتراضات توده ای در جامعه تبدیل شود. میروند تناسب قوی جدیدی بر جمهوری اسلامی و به نفع کارگران و مردم تحمیل کند. تا همینجا قدرت کارگری برجسته و پراز ابتکاری را به نمایش گذاشته است. تا همینجا درسهای گرانبهایی را برای جنبش کارگری و

فرصت هنوز باقی مانده است. هنوز دیر نیست و لازمست مراکز کلیدی کارگری و بخشهای مختلف جنبش کارگری سراسر را با حمایت عملی از مطالبات کارگران شرکت واحد پا به میدان بگذارند و کشمکش کنونی را به نفع کارگران شرکت واحد و جنبش کارگری و آزادیخواهان به فرجام برسانند. اعتصاب مجددا اعلام شده جمعه ۱۴ بهمن توسط کارگران شرکت واحد میتواند صحنه همگامی عملی بخشهای مهم جنبش کارگری و تحقق مطالبات کارگران شرکت واحد باشد.

اعتصاب کارگران شرکت واحد و مردم تهران

اعتصاب و مبارزه تاکنونی کارگران شرکت واحد از حمایت موثر مردم تهران محروم مانده است. اعتصاب ۴ دی ماه و اعتصاب ۸ بهمن میبایست حمایت قاطع مردم تهران را به همراه میداشت. کارگران و رانندگان شرکت واحد که سالهای سال در شاهراه و خیابانهای تهران و در مناطق دهگانه و محلات همراه مردم و تسهیل کننده حمل و نقل این شهر بزرگ بودند. در آن روزها ،

در اعتصاب و مبارزه و دست و پنجه نرم کردن با جمهوری اسلامی به حمایت مردم تهران چشم دوختند. این حمایت عملی نشده است. اکنون بار دیگر روز جمعه ۱۴ بهمن به عنوان روز اعتصاب مجددا اعلام شده است. مردم تهران با حمایت موثر و عملی میتوانند نقش مهمی در پیروزی این اعتصاب و تحقق مطالبات آن داشته باشند. اگر بخشهای مختلف مردم تصمیم بگیرند در این روز تعطیل معمولی در کنار کارگران شرکت واحد باشند. از وسایل حمل و نقل عمومی ودولتی استفاده نکنند. عملا شهر را به اعتصاب بکشند. با ابتکارات متنوع در هر مناطق دهگانه شهر و در هر محله و جمععاتی حمایت از کارگران شرکت واحد و خواسته هایشان را اعلام کنند. قطعا گام بزرگی در راستای پیروزی کارگران شرکت واحد برداشته میشود. اعتصاب روز جمعه و تجمع خانوادها های کارگران در روز شنبه جلوه دادگاه انقلاب هر دو به حمایت مردم تهران امید دارند. مردم تهران در بوته آزمائش نایبند.

عروج حماس:

و در کنار آن بن بست آمریکا در عراق و برد اسلام سیاسی در انتخابات اخیر آن کشور فاکتورهای موثر دیگری در برد انتخاباتی حماس بوده است.

مساله فلسطین

در صحنه سیاسی فلسطین و برای مردم ستمدیده و فلاکت زده آن مساله دولت فلسطین مساله اصلی است. هر جریانی که برای پایان دادن به اشغالگری و سرکوب و ستم دولت اسرائیل و تحقق دولت مستقل فلسطین، راه حل واقعی ارائه دهد و آن را به ثمر برساند دست بالای سیاسی (هژمونی) پیدا میکند. این هژمونی تاریخا از آن فتح و ساف و عرفات بوده است. امروز رهبری فتح و ساف و در راس آن محمود عباس، در شرایطی نامساعد، با چالنج ناشی از برد انتخاباتی حماس روبرو شده و برای حفظ هژمونی سیاسی خود تلاش میکند. عروج فاشیسم اسلامی حماس از یک طرف مولود فاشیسم شارون و حمایت بوش از آن است و از طرف دیگر ناشی از فساد و کثافتی است که از سروکول دستگاه اداری فلسطین بالا رفته است. "دولتمردان" فتح تازه میفهمند

که "رای مردم" به حماس، رای به "تنبیه" آنها بوده است!

برد انتخاباتی حماس نمیتواند توازن سیاسی تاریخی در صحنه سیاسی فلسطین را یکسبه بهم بریزد. حماس برای مساله فلسطین راه حل ندارد، از کانال این مساله و با ارائه یک مشی "میلیتانت" در برابر اسرائیل و غرب، در صدد است سلطه اسلام سیاسی را بر آن جغرافیا حاکم کند. حماس یک گردان اسلام سیاسی در خط مقدم جبهه جنگ قدرت آن با آمریکا و اسرائیل است. جنگ و اشغالگری آمریکا در عراق همچنانکه به توسعه نفوذ جمهوری اسلامی و عروج جریانات اسلامی در آن کشور منجر شده است، در فلسطین هم به عروج حماس کمک کرد (چنانکه در لبنان و مصر و سوریه هم دست حزب الله و اخوان المسلمین را قویتر کرده است). اما به رغم به هم پیچیده شدن معضلات خاورمیانه و به رغم اینکه اشغال عراق توسط آمریکا مساله فلسطین را در مقایسه با گذشته فرعی کرده است، در خود فلسطین، این مشخصا مساله فلسطین است که همچنان حکم خود را جاری میکند. از این زاویه شانس حماس برای اینکه برد انتخاباتی

اش را به یک پیروزی سیاسی سراسری ارتقاء دهد زیاد نیست. نفس تشکیل کابینه توسط حماس با موانع داخلی و منطقه ای و جهانی بزرگ روبروست. محمود عباس علاوه بر اعلام شروط مهمی برای سپردن ماموریت تشکیل کابینه به حماس (از جمله پایبندی به قراردادهای تاکنونی)، تاکید کرده که کنترل نیروهای مسلح را در دست خود نگاه خواهد داشت. دحلان وزیر امنیت فلسطین گفته است که آن وزارت را بپیچوجبه به حماس نخواهند داد! محمود عباس تا سال ۲۰۰۹ پزیدنت فلسطین است و از این موقعیت برای حفظ توازن تکان خورده، در دست خود و سازمانش استفاده میکند. برد انتخاباتی حماس در خود فلسطین میتواند پس از یک اقبال کوتاه مدت به عقب برگردد، پیامدهای منطقه ای آن در جهت تشدید جدال تروریسم اسلامی و تروریسم آمریکا و متحدانش پایدارتر خواهد بود.

پیامدهای منطقه ای

برد حماس

برد حماس تا همینجا زبان اسلام سیاسی در منطقه و مشخصا زبان جمهوری اسلامی را درازتر

حماس، فشار "کابوس ناامنی" بر اذهان مردم اسرائیل سنگین تر میشود و این شانس پیروزی جناح چپ هیات حاکمه اسرائیل را ضعیف تر میکند. در مقابل خطر جدی تشدید جدال قطبهای تروریسم، این مردم فلسطین و اسرائیل و منطقه هستند که میتوانند هشیار و قاطع در برابر هر دو جبهه آمریکا و متحدانش از یکسو و اسلام سیاسی از سوی دیگر، بایستند و حرف آخر را بزنند. برای مردم ایران انداختن جمهوری اسلامی و پهن کردن سر مار اسلام سیاسی در مرکز اصلی آن در منطقه، وظیفه بدیهی و روشنی است که با پیشروی حماس در فلسطین و پیشروی اسلام سیاسی در عراق، اهمیت حیاتی بودن آن و تعیین کننده بودن آن برای چشم انداز تحقق یک صلح پایدار در خاورمیانه از همیشه برجسته تر شده است. در سناریوی تیره خاورمیانه، روزنه های روشن امید را میتوان در عزم مردم ایران به سرنگونی جمهوری اسلامی و عزم مردم عراق به آزاد کردن آن کشور، هم از اشغال آمریکا و هم از سلطه اسلام سیاسی، مشاهده کرد. این روزنه های امید را باید تقویت کرد.

زنده باد جمهوری سو سیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی

نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست بر گزار شد

نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست در روزهای هفتم و نهم بهمن ۱۳۸۴ (۲۸ و ۲۹ ژانویه ۲۰۰۶) با شرکت اکثریت اعضا آن و با حضور کورش مدرسی و رحمان حسین زاده لیدر و معاون لیدر حزب و امجد غفور، جمال کمانگر، سعید آرمان و مظفر محمدی از اعضا کمیته مرکزی دعوت شده به نشست، برگزار شد.

دستور نشست شامل این بندها بود:

- ۱- گزارش لیدر حزب
- ۲- گزارش رفیق صالح سرداری از ماموریتش
- ۳- بحران اتمی - سیاست ما
- ۴- انتخابات در فلسطین و پیروزی حماس، پیامدهای سیاسی آن ...
- ۵- اعتصاب در شرکت واحد - سیاست ما
- ۶- هماهنگی با رهبری حزب کمونیست کارگری عراق

گزارش لیدر شامل تصویری از موقعیت کنونی حزب، عرصه های مختلف فعالیت حزب و وضعیت رهبری حزب بود. همچنین صالح سرداری عضو دفتر سیاسی گزارشی از ماموریت خود داد که با توجه و تقدیر نشست مواجه شد. دفتر سیاسی پس از بررسی گزارشها تهیه و تصویب مجموعه ای اسناد را در دستور کار خود گذاشت و چهار کمیسیون برای تهیه و ارائه پیش نویس این اسناد انتخاب کرد.

در ادامه نشست، آخرین تحولات بحران اتمی، پیروزی حماس در انتخابات فلسطین، اعتصاب در شرکت واحد و هماهنگی با حزب کمونیست کارگری عراق به تبادل نظر و تصمیم گیری گذاشته شد. در ارتباط با اعتصاب شرکت واحد، اعضاء حاضر در جلسه ضمن تأیید عمومی سیاست رهبری اجرایی حزب، ملاحظاتی، نظرات و تأکیدات خود در قبال این رویداد مهم طبقاتی را ارائه دادند. در مورد ایجاد هماهنگی سیاسی منظم میان رهبری حزب حکمتیست و رهبری حزب کمونیست کارگری عراق تصویب شد که ایجاد یک دفتر هماهنگی در سطح دفتر سیاسی در ارتباط با مسائل استراتژیک جنبش و دو حزب ما، به رهبری حزب کمونیست کارگری عراق پیشنهاد و پیگیری شود.

فاتح شیخ

رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۰ بهمن ۱۳۸۴ - ۳۰ ژانویه ۲۰۰۶

تقدیر از رفیق صالح سرداری

دفتر سیاسی حزب حکمتیست در نشست ۸ و ۹ بهمن ۱۳۸۴ پس از شنیدن گزارش ماموریت چند ماهه رفیق صالح سرداری که برای پیشبرد فعالیت های کمیته کردستان حزب انجام گرفته بود از تلاشهای ثمربخش او قدردانی کرد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۰ بهمن ۱۳۸۴ - ۳۰ ژانویه ۲۰۰۶

گزارشی از کنفرانس اول تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق

در روزهای ۲۱ و ۲۲ ماه ژانویه ۲۰۰۶، تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق (حککع)، با برگزاری یک کنفرانس وسیع با شرکت نمایندگان تشکیلاتهای خارج کشور این حزب، تعدادی از اعضای رهبری و هیئتی از رهبری حزب حکمتیست، وظایف پیش روی آن حزب را مورد بررسی قرار داد.

در این کنفرانس علاوه بر نماینده گان و مدعوین که تعداد شان ۱۵۰ نفر بود، ریبوار احمد لیدر حککع، ینار محمد، مؤید احمد، هوزان محمود، ریبوار عارف، نادیه محمود از اعضای دفتر سیاسی و هیئتی از رهبری حزب حکمتیست متشکل از کورش مدرسی لیدر این حزب، فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی، رحمان حسین زاده معاون لیدر، ایرج فرزاد، مظفر محمدی و مصطفی اسد پور از اعضای رهبری حزب در این نشست شرکت داشتند. از میان مهمانان میتوان از خسرو دارو کمونیست سرشناس، David Broder از سازمان آزادی کارگران بریتانیا و تعدادی از شخصیت های سرشناس چپ عراق نام برد.

پس از اجرای سرود انترناسیونال و ادای احترام برای جانبختگان راه سوسیالیسم و گرامیداشت یاد منصور حکمت، نمایندگان با تصویب آیین نامه و دستور جلسه به کنفرانس رسمیت بخشیده و نشست به دستور کار خود پرداخت.

اولین موضوع کنفرانس سخنرانی افتتاحیه ریبوار احمد بود. در این گفتار ریبوار احمد در مورد فعالیت ۱۳ ساله تشکیلات خارج کشور و نقطه قوت های آن بحث کرد. وی یاد آورد که خارج از کشور پشت جبهه نیست بلکه یکی از میدانهای مهم فعالیت حزب است و تأکید کرد که ابعاد تاکنونی کار حزب هنوز جوابگوی نیاز جنبش ما نیست.

در ادامه کورش مدرسی ضمن تأکید بر اهمیت و جایگاه حزب کمونیست کارگری عراق گفت که دنیا بدون این حزب سیاه تر می بود. زیرا در عراق کنونی حککع تنها جریانی است که مدنیت را نمایندگی میکند. وی اظهار امیدواری کرد که این حزب بتواند نقش موثری در منطقه بازی کند.

سپس از جانب فارس محمود، دبیر تشکیلات خارج کشور یک گزارش از فعالیت های تشکیلات خارج از کشور ارائه شد و از جانب شرکت کنندگان مورد بحث قرار گرفت. بدنبال آن رفقای نظیر ینار محمد، رئیس سازمان آزادی زن در عراق، دشتی جمال از فدراسیون پناهندگان عراقی، شیرزاد فاتح مسئول مرکز دفاع از حقوق کودکان، آسو جبار از شبکه نمایندگان اتحاد شورا و سندیکاهای کارگری عراق و نوری بشیر مسئول مالی تشکیلات خارج کشور که هر کدام شخصیت های اجتماعی حزب هستند راجع به کار و فعالیت نهاد خود اظهار نظر کردند.

بحث اوضاع سیاسی عراق و جایگاه حزب در این موقعیت و وظایف تشکیلات خارج کشور یکی دیگر دستورالعملهای کنفرانس بود که از جانب رفقا ریبوار احمد و شمال علی ارائه شد. ریبوار احمد تأکید کرد که اشغالگری، گسستن شیرازه مدنی جامعه و فقدان امنیت، مهمترین چالش امروزی جامعه عراق است و مبارزه برای هر تحول اجتماعی از کانال پاسخ دادن به این چالشها پیش خواهد رفت. وی یاد آور شده که وظیفه حزب کمونیست کارگری عراق است که برای جوابگوی به این وضعیت پرچم یک آلترناتیو انسانی را بلند کند.

در رابطه با وضعیت کردستان و عروج مبارزات توده ای ریبوار احمد بر ضرورت خاتمه دادن به حاکمیت میلیشیای احزاب حاکم و بازگشت مدنیت به جامعه از طریق مطالبه برای استقلال کردستان انگشت گذاشت. در قسمت دوم بحث، شمال علی به نقش تشکیلات خارج کشور برای دور آینده پرداخت و تأکید کرد که برای بالا بردن راندمان این تشکیلات بایستی آنرا مدرن کرد.

این مباحث از جانب شرکت کنندگان مورد بررسی قرار گرفت و کورشی مدرسی لیدر حزب حکمتیست گفت "داخل و خارج" برای یک حزب کمونیستی تنها جغرافیا هستند. فعالیت موثر در یکی بر دیگری تأثیر خواهد گذاشت. به همین دلیل برای مبارزه در عرصه خارج کشور ما نیازمند عروج فعالین اجتماعی بیشتری هستیم.

مبحث بعدی کنفرانس مسئله مالی بود. در این رابطه رفقا رعد سلیم و نوری بشیر طرحهایی به منظور تقویت بنیه مالی حزب به کنفرانس ارائه کردند.

انتخابات یکی دیگر از دستورالعملهای کنفرانس بود که در نتیجه آن رفقا بهار منظر، جمال ایوب، عمر احمد خطاط، جمال محسن، شمال علی، آلا فرج، محمد غفور و کامل احمد بعنوان اعضای کمیته خارج کشور انتخاب شدند. در اولین جلسه کمیته، رفیق شمال علی به اتفاق آراء به دبیری تشکیلات خارج انتخاب شد.

قسمت آخر کنفرانس به گفت و شنود با رهبری حزب اختصاص داد شد. در این قسمت رفقا ریبوار احمد، مؤید احمد، نادیه محمود، ینار محمد و هوزان محمود به سئوالات شرکت کنندگان در مورد عرصه های مختلف فعالیت حزب پاسخ دادند.

کنفرانس با سخنرانی اختتامیه ریبوار احمد به پایان رسید. در پایان از زحمات فارس محمود دبیر پیشین تشکیلات قدردانی و با اهدا گل به رفقائی که در سازمان دادن این کنفرانس و تدارک آن نقش داشتند، سپاسگزاری شد.

این گزارش توسط سعید کرامت از اطلاعات تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق ترجمه و تلخیص شده است.



منصور حکمت

المختارات

من منشور الحزب
الشیوعي العمالي
العراقي

الطبع الاولی - ۲۰۰۵

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!